



ماتریکس، تلفیقی از فلسفه و دنیای شخصی شده امروز

در میان فیلم‌های علمی‌تخیلی، ماتریکس جایگاه خاصی دارد. این فیلم نه تنها جلوه‌های ویژه و فیلم‌برداری را به سطح جدیدی از پیشرفت رساند، که پرسش‌های مهم و قدیمی را در قالبی جدید به مردم یادآوری کرد.

نوروز 92 با برترین‌های سای فای

ماتریکس، تلفیقی از فلسفه و دنیای شخصی شده امروز

در میان فیلم‌های علمی‌تخیلی، ماتریکس جایگاه خاصی دارد. این فیلم نه تنها جلوه‌های ویژه و فیلم‌برداری را به سطح جدیدی از پیشرفت رساند، که پرسش‌های مهم و قدیمی را در قالبی جدید به مردم یادآوری کرد.

در سال 1378/1999 برادران واچوفسکی فیلمی را روانه پرده‌های سینما کردند که به پدیده‌های سینمایی بدل شد؛ داستانی پیچیده، نمادین و سرشار از سرنخ‌ها و عناصری که قابلیت تاویل‌های متعددی را فراهم می‌کرد. در آستانه آغاز هزاره جدید، تخیل خالقان ماتریکس در حالی که سوال‌های قدیمی را دوباره تکرار می‌کرد مردم را به گونه‌ای جدید به تفکر درباره مسایل مهم اطرافشان دعوت می‌کرد. واقعیت چیست؟ ما کجا زندگی می‌کنیم؟ معنی زندگی چیست؟ مرز توهم و واقعیت کدام است و ... تعداد نقدهای فلسفی، جامعه‌شناسانه و رمزگشایی‌هایی که در باره این فیلم نوشته شده است شاید از تعداد نقدهای سینمایی آن پیشی گرفته باشد. ماتریکس به سرعت به بخشی از فرهنگ عامه بدل و حتی الهام‌بخش برخی از حرکات‌های اجتماعی شد. داستان این فیلم به شدت تحت تاثیر دیدگاه‌ها و فلسفه‌های مختلف شرق و غرب قرار داشت و از نظر سینمایی نیز نوآوری بزرگی به شمار می‌رفت. شیوه‌های فیلم‌برداری در این فیلم به گونه چشم‌گیری متحول شد و جلوه‌های ویژه جدیدی برای نخستین بار بر پرده‌های سینما در مقابل چشم بینندگان قرار گرفت.

دو دنباله دیگر بر این فیلم ساخته شد و همچنین مجموعه‌ای از فیلم‌های کوتاه انیمیشن به طور مستقل داستان‌هایی در حاشیه این روایت را به تصویر کشید. اما در بین همه این‌ها اولین ماتریکس بود که موج بزرگ را ایجاد و چنان تاثیر شگفتی را خلق کرد. داستان فیلم

داستان ماتریکس اما شاید کمتر شبیه به علمی‌تخیلی‌های رایج باشد. فیلم، داستان زندگی کارمند ساده‌ای را روایت می‌کند که زندگی دوگانه‌ای دارد. او روزها کارمند یک شرکت بزرگ و خوش‌نام است و شب‌ها تبدیل به هکری زبردست می‌شود. او در جهان زیرزمینی هکرها خبرهایی از موجودیتی به نام ماتریکس شنیده است؛ ماهیتی مرموز که بر زندگی افراد تسلط دارد. روند رویدادهای بعدی باعث می‌شود تا او با واقعیت حاکم بر جهانی که در آن زندگی می‌کند آشنا شود. شایعه‌ها درست است. همه شهروندان درون یک شبیه‌سازی رایانه‌ای زندگی می‌کنند. آن‌ها سال‌ها قبل نبردی را با ماشین‌های هوشمند باخته‌اند و اینک آن ماشین‌ها از انسان‌ها به عنوان منابع تولید انرژی الکتریکی استفاده می‌کنند. آن‌ها در شرایط نوعی خواب مصنوعی قرار دارند و ماشین‌ها از فعالیت‌های مغزی آن‌ها انرژی کسب می‌کنند و برای اینکه فعالیت مغزی آن‌ها برقرار بماند، الگوی شبیه‌سازی‌شده‌ای را در ذهن آن‌ها اجرا می‌کنند؛ واقعیتی مجازی مانند یک خواب پیوسته و دائم. در این بین گروهی از نیروهای مقاومت به دنبال ناجی وعده داده شده‌ای هستند که پیش‌بینی‌ها از توان او مبنی بر نابود کردن ماتریکس سخن گفته است و یکی از فرماندهان نیروی مقاومت اعتقاد دارد که این فرد همین هکر جوان است. آن‌ها او را از ماتریکس جدا کرده و به دنیای واقعی می‌آورند که اگرچه واقعی است اما به زیبایی و دلفریبی و چشمگیری دنیای واقعی نیست. همین دشواری دنیای واقعی است که باعث شده برخی از افراد دنیای آزاد واقعی بخواهند به همان رویای شیرین بازگردند.

دنیای الکتروشمیایی مغز

ایده ماتریکس و دنیای شبیه‌سازی‌شده‌ای که ما در آن اسیر هستیم آن قدر غیر واقعی به نظر می‌آید که شاید تنها راه مواجهه با آن تفسیر نمادین باشد ولی واقعیت این است که این دنیای ترسناک و عجیب و غریب چندان هم غیر واقعی نیست. واقعیت این است که هر آنچه ما از جهان اطرافمان درک می‌کنیم، از رنگ‌ها، چهره‌ها، طعم‌ها، درد و شادی و غم و عشق و نفرت و ... خلاصه هر آنچه از جهان می‌بینیم و درک می‌کنیم تنها به واسطه عملکردهای الکتروشمیایی موجودی شگفت‌انگیز به نام مغز است. بدن ما در واکنش با محیط اطراف نقش حسگرهایی را بازی می‌کند که داده‌هایی را به مغز می‌فرستد و مغز آن‌ها را تفسیر و معنی می‌کند. اگر به هر دلیلی تغییری در فرآیند عملکرد مغز ما رخ دهد تمام درک ما از محیط نیز تغییر می‌کند، احساسات متفاوتی را تجربه می‌کنیم و چیزهای متفاوتی را می‌بینیم که دیگران نمی‌بینند. (کسانی که داروهای توهم‌زا مصرف می‌کنند، عملاً مغز خود را در چنین

شرایطی قرار می‌دهند) بدین ترتیب اگر بتوان عملکرد و روش کار مغز را به طور دقیق شناخت این امکان وجود دارد که بتوان با دست‌کاری در بخش‌هایی از آن درک محیط اطراف را تغییر داد.

در سال 1385/2006 گروهی از عصب‌شناسان پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (IPM) به سرپرستی دکتر استکی نتیجه تحقیقی را در مجله نیچر منتشر کردند که در برخی از رسانه‌ها از آن به عنوان دروازه‌ای به دنیای ماتریکس نام برده شده بود. این گروه در تلاش برای درک نحوه عملکرد مغز برای تشخیص چهره از اشیا دیگر، میمون‌هایی را تربیت کردند که هر بار چهره‌ای به آن‌ها نشان داده می‌شد، حرکت ویژه‌ای را انجام می‌دادند (و در مقابل آن به خاطر تشخیص درستشان جایزه‌ای دریافت می‌کردند) این دانشمندان پس از تربیت کردن میمون‌ها به تحریک بخشی از مغز آن‌ها پرداختند که به نظر می‌آمد وظیفه تشخیص چهره را بر عهده دارد. در این شرایط زمانی که اشیایی غیر از چهره به آن‌ها نشان داده می‌شد آن‌ها آن را به شکل یک چهره درک می‌کردند. این تحقیق البته در آینده ممکن است باعث بروز پیشرفت‌هایی در زمینه درمان نابینایی و همچنین رشد سیستم تشخیص بینایی در روبات‌ها شود؛ اما در ذات خود، نشان از امکان‌پذیری دنیایی داشت که در آن عملکرد مغز قابلیت برنامه‌ریزی و دست‌کاری شدن را دارد.

گروهی از محققان حتی به طور افراطی‌تری به بررسی امکان واقعی بودن دنیایی مانند ماتریکس پرداخته‌اند و چند ماه پیش در باره امکان منطقی وجود ساختاری شبیه‌سازی شده که همه حیات را در خود گرفته باشد سخن گفته‌اند.

اما واقعیت این است که این روزها داستان ماتریکس به گونه دیگری نیز در حال واقعیت پیدا کردن است. در این فرآیند نه دست‌کاری بر مغز ما انجام شده و نه ما در شبیه‌سازی دیگران زندگی می‌کنیم بلکه این توسعه شخصی‌سازی فعالیت‌های آنلاین است که تقریباً همه حوزه‌های زندگی ما را در بر گرفته و با تحمیل روزافزون خود به ما، عملاً ما را از دنیای واقعی جدا می‌کند و باعث می‌شود روایت‌های شخصی از جهان اطراف به دست بیاوریم.

در سال‌های اخیر در سراسر جهان وابستگی به شبکه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر شده است. اکنون بسیاری از مردم وقت بیش‌تری از زمان معاشرت‌های اجتماعی خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند. خبرها را از طریق وب‌سایت‌ها و یا اپلیکیشن‌های قابل تنظیم و یا شخصی‌سازی دنبال می‌کنند و در برخی از کشورها فرایند خرید آنلاین از خرید سنتی در حال پیشی گرفتن است. مساله اینجاست که در چنین فضایی شما اگر از صدای دیگری در شبکه‌ای اجتماعی خوشتان نیاید، وی را مسدود می‌کنید. در هنگام استفاده از اپلیکیشن‌ها و وب‌سایت‌های خبرخوان سلیقه خودتان را برای سیستم تعریف می‌کنید و سیستم به تدریج تنها خبرهایی را جمع می‌کند که شما علاقه‌مند به مطالعه آن‌ها هستید و این یعنی بخش عمده‌ای از خبرهای بیرون از دست شما در می‌رود. حتی تبلیغات هوشمند باعث می‌شود پیشنهادهایی به شما ارائه شود که با نیازها و همچنین سطح توان مالی شما سازگاری داشته باشد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد حداقل برای برخی از مردم این داستان در حال اتفاق افتادن است که بخش عمده‌ای از زندگی خود را در جهانی شخصی‌سازی شده سپری می‌کنند و یا در آینده نه چندان دور خواهند کرد، دنیایی که اگرچه بخشی از واقعیت است اما با همه واقعیت تفاوت دارد.

فیلم ماتریکس یکی از تاثیرگذارترین فیلم‌های علمی‌تخیلی است، فیلمی که هنوز هم بعد از دیدن آن می‌توانیم مدتی طولانی به فکر فرو رویم و بهانه‌ای پیدا کنیم برای مطالعه و فکر کردن بیش‌تر درباره جهانی که در آن زندگی می‌کنیم.